

Investigating sociological factors affecting social tolerance in Isfahan city

Masumeh Kermanshahi

Ph. D. Student in cultural sociology, Islamic Azad University, Dehghan, Iran.

Seyed Ali Hashemianfar

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran, (Corresponding Author). E- mail: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

Fereydoun Vahida

Professor of Sociology, Isfahan university, Isfahan, Iran.

Social tolerance is a description of social actions that differ from the majority in the direction of peace. The current research was conducted with the aim of sociological explanation of social tolerance among the citizens of Isfahan, relying on theorists such as Vogt, Durkheim, Chong ... The research method is survey and the questionnaire collection tool were used. For the validity and the reliability of the questionnaire, the content validity and Cronbach's alpha were used respectively. The statistical population is citizens over 20 years of age in Isfahan in 1399-1400. The sample size was calculated with Gpower software, 461 people and the quota sampling method was chosen. The findings show that, the average social tolerance is downward. The results of the structural equations model indicate that, there is a meaningful relationship between the feeling of security (0/199), feeling of inequality (-0/196), cultural intelligence (0/260), authoritarianism (-0/173) and social tolerance according to the developed conceptual model and in a structural relationship. But religiosity was not significant on social tolerance. Cultural intelligence has explained the most variance in promoting social tolerance.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: Social Tolerance, Feeling of Social Inequality, Feeling of Social Security, Cultural Intelligence, Authoritarianism.

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، تابستان ۱۴۰۳

ص ص ۱۴۸-۱۲۱

«مقاله پژوهشی»

بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر تحمل اجتماعی در شهر اصفهان

معصومه کرمانشاهی^۱

سیدعلی هاشمیان‌فر^۲

فریدون وحیدآ^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۴/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱/۱۴

چکیده

تحمل اجتماعی توصیفی از کنش‌های اجتماعی که در جهت مسالمت با اکثریت متفاوت می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی تحمل اجتماعی در بین شهروندان اصفهان با تکیه بر نظریه‌پردازانی هم‌چون وگت، دورکیم، چونگ ... انجام شده است. روش انجام تحقیق پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. برای اعتبار تحقیق از روش اعتبار محتوا و برای پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه آماری، شهروندان بالای ۲۰ سال شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می‌باشد. حجم نمونه با نرم‌افزار Gpower تعداد ۴۶۱ نفر محاسبه شده و روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شد. یافته‌ها بیانگر میانگین تحمل اجتماعی متوسط رو به پایین است. نتایج مدل معادلات ساختاری حاکی از آن است که بین احساس امنیت اجتماعی (۰/۱۹۹)، احساس نابرابری اجتماعی (۰/۱۹۶-)، هوش فرهنگی (۰/۲۶۰)، اقتدارطلبی (۰/۱۷۳-) با تحمل اجتماعی طبق مدل مفهومی تدوین شده ارتباط معنادار و در یک رابطه ساختاری‌اند؛ اما دین‌داری بر تحمل اجتماعی معنادار نبود. هوش فرهنگی بیشترین واریانس ارتقا تحمل اجتماعی را تبیین کرده است. واژگان کلیدی: تحمل اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، هوش فرهنگی، اقتدارطلبی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مقدمه

با بررسی دوران زندگی انسان‌ها از ابتدا تا به امروز این نتیجه حاصل می‌شود که زندگی اجتماعی امری غیر قابل انکار برایش بوده و در پرتو این زندگی اجتماعی بوده است که خصلت انسانی‌اش معنی و تعالی یافته است؛ بنابراین زندگی اجتماعی برای انسان ضرورت حیاتی دارد که باید محافظت شود. هر عاملی که باعث گسیختگی و خدشه‌دار کردن آن شود آسیب‌هایی را به همراه دارد که قطعاً اهداف فردی و اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. تحمل و مدارا یکی از مفاهیم مهم و حیاتی در علوم اجتماعی و عاملی در جهت تعامل بین افراد نسل‌های مختلف در جامعه است. در عین حال می‌تواند روابط بین افراد، در سطوح خرد و کلان را تسهیل کند که برای زندگی در جامعه نیاز به ارتباط با انسان‌های دیگر دارد. رابطه‌ای که در دنیای معاصر، بین انسان‌هایی مطرح است که از جهات گوناگونی با هم تفاوت دارند (۱۱: ۱۴۷). تحمل و مدارا شامل نشان دادن عزت و احترام دیگران است بدون این که لزوماً با اعمال و ارزش‌های آن‌ها موافق باشید یا آن‌ها را بپذیرید (۴۸: ۱۱۶). با گسترش ارتباطات، تسریع تحرک، مهاجرت، شهرنشینی، زندگی افراد بیشتر به هم مرتبط شده است؛ بنابراین وحدت و یکپارچگی، پذیرش یکدیگر در عین تفکر متفاوت و حتی مخالف، نداشتن رفتارهای تحقیرآمیزهای قومی و دینی با یکدیگر و کاهش شکاف‌ها و فاصله‌های اجتماعی (۲۳: ۲۱)، به واسطه ارتقا تحمل اجتماعی، یک پیش‌شرط ضروری در پی‌ریزی قوام جامعه به دور از تنش است. در حالی که شرایط زندگی در شهرها، تنش‌های زیادی از جمله تنش میان سنت و تجدد، تنش میان معنویات و مادیات، پیشرفت روزافزون علم و فناوری و تطابق افراد با آن، ایجاد می‌کند. به همین دلیل احتمال روابط اجتماعی ناسالم در شهرها و بین شهروندان بیشتر است این ویژگی‌های بارز سبب ایجاد احساس نابرابری در افراد شده که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز کجروی‌ها و بزهکاری‌ها شود. ایران در گروه کشورهای با نابرابری بالا قرار دارد و با استناد به نظرسنجی طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور می‌توان بیان کرد که افراد جامعه از احساس بی‌عدالتی (احساس نابرابری) بالا رنج می‌برند (۴۵: ۳۵)، که به تبع آن احساس امنیت اجتماعی در شهروندان کاهش می‌یابد و توانایی اشخاص برای کسب زندگی مناسب به طور چشمگیری ناکام می‌ماند. در حالی که مفهوم امنیت یکی از شاخصه‌های کیفیت زندگی در شهرهاست و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف ناامنی به شمار می‌روند (۳۶: ۱۷۹). در چنین فضایی تحمل اجتماعی وسیله‌ای برای بهبود حداقل کیفیت روابط اجتماعی، هم‌چنین اجتناب از خشونت، اجبار و کاهش احساس ناامنی است (۲۰: ۸).

جامعه ایران در دهه‌های اخیر با مشکلات داخلی و خارجی بسیاری مواجه بوده است و امروزه رکود اقتصادی، شوک‌های متوالی ارزی، افزایش قیمت کالاهای عمومی و کاهش پیوسته پول ملی، توزیع نامتعادل درآمد و امکانات، بیش از پیش تکانه‌های تندی به بخش‌های مختلف وارد کرده است و عرصه را برای انسان‌ها تنگ کرده است. افراد در زندگی روزمره با تنش‌ها و اضطراب‌هایی روبرو می‌شوند. این تنش‌ها در طول زمان انباشته شده و در جامعه به خاطر آداب و رسوم، فرهنگ و دلایل سیاسی، اجازه

تخلیه‌ای فشارهای روانی به افراد داده نمی‌شود؛ بنابراین تراکم این تنش‌ها فرد را عصبی کرده و آستانه تحمل روانی فرد را به شدت پایین می‌آورد. به این دلیل برخوردهای محلی و خیابانی سریعاً به خشونت و تضاد منجر می‌شود. وجود تحمل در هر فرد او را به انسانی مثبت تبدیل می‌کند که توانایی استفاده از فرصت‌های اجتماعی را به منظور ارتقاء خود و نیز پیشبرد فرهنگ صلح و ایجاد جامعه‌ای امن را دارد (۲۹: ۴۳۸). به طوری که همه اعضای جامعه در کنار یکدیگر با آسایش قدم بزنند، بدون ترس فیزیکی یا حمله هیجانی یا خشونت (۴۰: ۲۴). در خصوص وضعیت تحمل اجتماعی در کشورمان، آمار و اطلاعات دقیقی در اختیار نیست. از این رو برخی از آمار رسمی کشور و تحقیق‌های دانشگاهی تا حدودی وضعیت را روشن می‌کند، تحقیق‌های انجام شده نشان می‌دهد که تحمل اجتماعی در ایران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (۴۲) و (۲۱) و (۱۸) و (۳). هم‌چنین در خصوص اصفهان بر اساس آمار رسمی سازمان پزشکی قانونی^۱ در سال ۱۳۹۹ با داشتن ۳۹۲۰۸ مورد نزاع و در سال ۱۴۰۰ با داشتن ۴۱۰۶۴ مورد نزاع بعد از تهران و خراسان رضوی در رتبه سوم از نظر تعداد نزاع بوده و بیانگر افزایش آمار در سال‌های اخیر بوده است. این افزایش خشونت خود نشان دهنده تبعات اولیه و آشکار فقدان و یا کاهش مدارا در بین شهروندان می‌باشد که منجر به التهاب در جامعه می‌شود، حتی سبب اعتراض‌های اجتماعی و تهدید امنیت اجتماعی می‌شود که اهمیت پرداختن به این موضوع را دو چندان می‌کند.

دسترسی افراد جامعه به امکانات و فرصت‌های اجتماعی و برخورداری از امتیازهای مادی و معنوی در شرایط برابر اجتماعی در بروز تحمل بین افراد حائز اهمیت است. هم‌چنین برخورداری از امتیازهای مادی و معنوی، احساس امنیت در مقابل تهدیدها فراهم می‌کند که به نوبه خود در میزان تحمل افراد تأثیرگذار است. درک سریع و صحیح مؤلفه‌های فرهنگی مختلف سبب افزایش توانایی فرد برای تطبیق ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت از آن چه در زمینه فرهنگی خود به آن عادت کرده است می‌باشد که می‌تواند روابط اجتماعی بهتر را فراهم کند. جامعه ایران به صورت تاریخی یک جامعه دینی است. دین‌داری و باورهای مذهبی از گذشته‌های دور تاکنون بخش اعظم روابط اجتماعی افراد این جامعه را تحت تأثیر خود قرار داده است (۶: ۱۶). چرا که دین تا حدی تعیین می‌کند چگونه مردم باید زندگی، فکر و عمل کنند. وقتی مردم مذهبی هستند آن‌ها با ارزش‌ها و هنجارهای دینی‌شان انطباق پیدا خواهند کرد. در واقع دین و مذهب، هنجارها و قواعدی را برای معتقداتش تجویز می‌کند که می‌تواند در اعمال و رفتار آن‌ها در مناسبات روزانه و از جمله در تحمل نسبت به کسانی که مورد قبول فرد دین‌دار نیستند تأثیرگذار باشد (۳۹: ۷۲۱). در حالی که همه مذاهب جهانی مهربانی و نعدوستی را تبلیغ می‌کنند، تاریخ لحظه‌هایی را خلق کرده که دین توجیهی را برای خشونت مستقیم علیه افرادی از دین، فرهنگ، نژاد و جنس مختلف فراهم کرده است (۱۵: ۱۷۸). از این رو دین‌داری به عنوان مؤلفه‌ای اساسی و نیرومند تأثیرگذار در روابط توأم با تحمل اجتماعی است.

1. https://www.lmo.ir/web_directory/54011-%D9%86%D8%B2%D8%A7%D8%B9.html

با توجه به موضوعات مطرح شده در خصوص شرایط اجتماعی - اقتصادی کنونی در سطح بین‌المللی و ملی، افزایش شهرنشینی و مهاجرت، گوناگونی قومی و فرهنگی و نتایج تحقیق‌های و آمارهای رسمی کشور، اهمیت بررسی تحمل اجتماعی روشن می‌شود. بدون شناخت عوامل مؤثر و مرتبط بر تحمل اجتماعی، ارتقاء آن نیز امکان‌پذیر نخواهد بود، به همین دلیل شناسایی این عوامل جامعه‌شناختی پیش‌شرطی اساسی برای سلامت کنش اجتماعی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ضرورت تمرین و ترویج تحمل و مدارا ویژگی جامعه‌ای است که تنوع، برابری و صلح را ارج می‌نهند. با توجه به جایگاه شهر اصفهان و نقشی که در صنعت کشور و اشتغال صنعتی و جذب سرمایه‌های ملی و بین‌المللی، جذب گردشگر، بازاریابی و سرمایه‌گذاری صنایع خلاق و فرهنگی دارد، تحمل اجتماعی از پیش‌شرط‌های لازم در جذب این سرمایه‌هاست که برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی ضروری است. بنابراین تحقیق حاضر به این مسئله می‌پردازد که عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان کدامند؟ که می‌تواند در اهداف و چشم‌انداز مدیریت شهری، فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده نهادها و سازمان‌های مربوطه قرار گیرد تا جامعه در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش وفای اجتماعی حرکت کند و کیفیت زندگی شهری را ارتقا بخشد که در شرایط اجتماعی امروز نیاز به بررسی جدی دارد.

اهداف تحقیق

اهداف کلی

- تعیین میزان تحمل اجتماعی در بین شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر اصفهان
- تعیین عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر تحمل اجتماعی در بین شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر اصفهان.

اهداف جزئی

- توصیف میزان تحمل اجتماعی در بین شهروندان بالای ۲۰ سال ساکن شهر اصفهان بر حسب ویژگی‌های فردی اجتماعی اقتصادی
- شناخت رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه بین احساس نابرابری اجتماعی و تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه بین دین‌داری و تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان

- شناخت رابطه بین احساس نابرابری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان
- شناخت رابطه دین‌داری و اقتدارطلبی در بین شهروندان شهر اصفهان.

پیشینه تحقیق

در ادامه با توجه به پیشینه‌های داخلی و خارجی می‌توان به بخشی از تحقیق‌های انجام شده مرتبط با موضوع اشاره کرد:

پاک‌زمان و نیازی (۱۴۰۰)، پژوهشی در شهرستان کاشان با عنوان بازبینی رابطه دین‌داری و نامداراگری در جامعه آماری ۱۸ سال به بالای شهروندان با حجم نمونه ۵۳۱ با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام داده‌اند نتایج تحلیل همبستگی بین دین‌داری و مداراگری یک رابطه منفی و معنی‌دار را بیان می‌کند اما با تحلیل رگرسیونی و اثر تعاملی متغیر اقتدارگرایی نتیجه نهایی این است که دین‌داری ذاتاً منجر به نامداراگری نخواهد شد بلکه شیوه رفتاری افراد دین‌دار تأثیرگذار است و رابطه مثبت و معنادار می‌شود (۳۲).

گلایی و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سرمایه اقتصادی با سازه مدارا در بین شهروندان شهر مشهد با استفاده از روش پیمایشی و مقیاسی چند بعدی بر پایه مدل کینگ و با احتساب حجم نمونه به میزان ۴۰۰ نفر به سنجش مدارا پرداخته‌اند. نتایج نشان داد شاخص کل مدارا متوسط و سرمایه اقتصادی پایین است و بین میزان سرمایه اقتصادی و میزان مدارا رابطه مثبت وجود دارد. همچنین رابطه مثبت بین درآمد و میزان مدارا را تأیید می‌کند با این توضیح که از نظر ترکیب مدارا-درآمد منحصرأ سطح مطلق درآمد نیست. بلکه توزیع درآمد اهمیت دارد و سطح احساس نابرابری از نابرابری واقعی مهم‌تر است و رقابت برای توزیع و کنترل منابع اجتماعی روند عدم مدارا و طرد اجتماعی را افزایش دهد (۲۲).

گودرزی و اله‌دادی (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری تحقیقی پیمایشی در افراد ۱۸ سال به بالای استان لرستان در یک نمونه ۳۸۴ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام دادند. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، میزان دین‌داری، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، احساس نابرابری و ابعاد آن با احساس امنیت ارتباط داشتند افزایش احساس نابرابری افراد جامعه باعث کاهش احساس امنیت می‌شود (۲۵).

بهشتی و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج پژوهشی به روش پیمایشی انجام دادند. نمونه‌ای ۴۰۰ نفر از ساکنان شهر یاسوج به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند، به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین

هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی می‌باشد؛ و میزان تأثیر هوش فرهنگی بر مدارای اجتماعی ۰/۳۴ و هوش فرهنگی ۱۲ درصد واریانس متغیر مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند (۴۱).

بیاتی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی به تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران پرداختند. روش انجام پژوهش پیمایشی، حجم نمونه ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران و نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای انجام شده است. نتایج تحقیق، رابطه معنادار و مستقیم بین متغیرهای مستقل، دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت با متغیر وابسته مدارای اجتماعی وجود دارد (۹).

اکبری و ابراهیم‌پور (۱۳۹۶)، در تحقیقی پیمایشی با عنوان رابطه دین‌داری با احساس امنیت اجتماعی با استفاده از نظریه بوزان، مالر، دورکیم به بررسی رابطه این دو متغیر پرداختند. جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌گیری صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد پنج‌گانه دین‌داری با احساس امنیت رابطه مستقیم و معنادار دارد (۱).

حسین‌زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان "بررسی مداراگری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان" با روش کمی پیمایش به بررسی اثر متغیرهایی چون اقتدارطلبی، تفکر قالبی، پیشداوری، تعصب‌ورزی، روحیه انتقادی، عقلانیت، گفتگو و خشونت‌طلبی بر مدارا پرداخته است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد همه متغیرها با مدارا رابطه معنادار داشته و چارچوب نظری تأیید شده است. عقلانیت ضعیف‌ترین، تفکر قالبی، تعصب-ورزی و خشونت‌طلبی ارتباط قوی‌تر و گفتگو، اقتدارطلبی، پیشداوری و روحیه انتقادی رابطه متوسطی با مدارا داشتند (۲۸).

صابر (۱۳۸۳)، در تحقیق بررسی رابطه دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی بر روی دانشجویان دانشگاه مقدس اردبیلی اردبیل به این نتیجه رسیدند که ضریب همبستگی بین میزان دین‌داری با شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن منفی است، یعنی هر چه فرد دین‌دارتر باشد، مدارای اجتماعی کمتری خواهد داشت. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیری در این تحقیق نشان داد که متغیر، نوع دین‌داری قوی‌ترین متغیر بر شاخص مدارای اجتماعی و انواع آن است (۳۸).

بروک^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، در تحقیقی تازه سعی در پاسخ به این سؤال داشتند: آیا حضور در مراسم و مناسک اجتماعی مذهبی به افزایش ابراز نگرش‌های حذفی (تعصب) منجر می‌شود؟ این تحقیق، با تحلیل و بررسی پاسخ‌های هزاران نفر از مسلمان، تأثیر مراسم نماز جمعه بر روی باورهای سیاسی و اجتماعی دین‌داران را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در تحلیل اصلی، ۶ متغیر نشانگر عدم تحمل نشان می‌دهند که

¹ Brooke

افرادی که به طور منظم در مراسم نماز جمعه شرکت می‌کنند، بسیار بیشتر از افرادی که کمتر یا به طور نامنظم حضور دارند، دیدگاه‌های فرقه‌گرا و ضد سکولار ابراز دارند(۱۰).

کین‌گانگ وی^۱ (۲۰۲۲)، در این تحقیق، با استفاده از داده‌های استخراج شده از پرسشنامه اجتماعی ۲۰۱۳ چین، دو نوع از نابرابری درآمد و تأثیر آن بر روی تحمل عمومی (اجتماعی) را بررسی کرد. نتایج تحلیلی از اثر واسطه «بافتار اجتماعی- ادراک سوژه» نشان می‌دهد که نابرابری درآمد عینی و احساس (ادراک) نابرابری تأثیرات متفاوتی بر روی تحمل عمومی (اجتماعی) دارند. داده‌های آماری نشان می‌دهند که نابرابری درآمدی عینی تأثیر مستقیمی بر روی تحمل عمومی ندارد. حال آن که هر چه احساس نابرابری بیشتر شود، تحمل عمومی نیز کمتر می‌شود(۴۹).

هاکس‌هاج و زاکوتی^۲ (۲۰۲۱)، تأثیر ثروت و امنیت اجتماعی را بر روی نگرش‌ها و میزان تحمل و مدارا با کارگران مهاجر در اروپا بررسی کردند. آن‌ها با تحلیل داده‌های «پرسشنامه اجتماعی اروپا و NUTS3» در بیش از ۱۲ کشور اروپایی، ارتباط میان تمرکز جمعیتی مهاجران، محیط اجتماعی- اقتصادی و نگرش جمعی به مهاجران را مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش جمعیت مهاجر در یک منطقه، نگرش مثبت به آنان نیز افزایش می‌یابد. با این حال، این ارتباط مثبت، در لایه‌ها و شرایط اجتماعی- اقتصادی گوناگون یکسان نیست و با تضعیف و وخامت اوضاع اقتصادی یک منطقه، رابطه مورد اشاره نیز رو به تضعیف می‌گذارد. در فقیرترین و محروم‌ترین مناطق، تراکم جمعیت مهاجران تأثیری بر روی نگرش‌ها به آنان ندارد(۳۶).

در پژوهشی دیگر، وراچنکووا^۳ و همکاران(۲۰۱۵)، در پژوهش یادگیری برای زندگی در سراسر جهان، یادگیری مبتنی بر پروژه در گروه‌های دانشجویی چند فرهنگی به عنوان یک فن تعلیم از استراتژی مدارا به بررسی چگونگی تسهیل و توسعه تفکر مداراگر می‌پردازد. آن‌ها با هدف افزایش ارتباطات میان فرهنگی گروه‌های دانشجویی گوناگون روسی و چینی، بوریاک و مغولستان را در تحقیق شرکت دادند و سپس محققان، تجارب دانشجویان را در طول مطالعات مبتنی بر پژوهش را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد یادگیری مبتنی بر پروژه نه تنها صلاحیت‌های حرفه‌ای را ایجاد می‌کند، بلکه فرهنگ مدارای فردی که آماده تغییر مثبت در جامعه جهانی است را آماده می‌کند(۴۳).

یافته‌های تحقیق دان^۴ (۲۰۱۴)، با عنوان «اقتدارگرایی و عدم تحمل تحت رژیم‌های استبدادی و دموکراتیک» نشان می‌دهد که اقتدارگرایی بیان‌کننده عدم تحمل بیشتر در موقعیت‌هایی است که تنوع در آن‌ها بیشتر آشکار است. در این مطالعه، ۷۵۴۷۸ فرد از ۷۵ کشور مورد بررسی قرار گرفت تا تعیین شود که آیا اقتدارگراها در جوامع دموکراتیک واقعاً تحمل و مدارای بیشتری دارند. در حالی که اقتدارگرایی ارتباط

^۱. Qin GangWei

^۲. Hoxhaj & Zuccotti

^۳. Voronchenkoa

^۴. Dunn

زیاد و منفی با تحمل و مدارا در کشورهای دموکراتیک دارد، اقتدارگراها در کشورهای بسیار دموکراتیک، نسبت به اقتدارگراها در کشورهای مستقل و استبدادی، مدارا و تحمل‌پذیری بیشتری دارند (۱۴). هنگام انجام کار پژوهشی، مطالعه پیشینه‌های مرتبط با موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بعد از این مطالعه می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات محققین پیشین در پیشبرد اهداف تحقیق استفاده کرد. به عنوان جمع‌بندی، بررسی تحقیقات ذکر شده نشان می‌دهد متغیرهای گوناگونی بر تحمل اجتماعی تأثیر- گذارند. بعضی از متغیرها مانند احساس امنیت اجتماعی و دین‌داری با توجه به اهمیت‌شان در جامعه، در پژوهش حاضر نیز استفاده شده است. البته متغیر احساس نابرابری و هوش فرهنگی که کمتر به آن پرداخته شده، در این تحقیق به کار رفته است. علاوه بر این در تحقیق حاضر از تبیین مدل ساختاری برای فهم سهم هر یک از متغیرها نیز استفاده شده است.

مبانی نظری

تساهل، تسامح، آزادی، مدارا، حقوق بشر و ... مفاهیم سیاسی هستند که جنبه اخلاقی دارند. این مفاهیم تاریخ دارند یعنی همیشه نبوده‌اند و در وقت تاریخی به وجود آمده‌اند و سیر تاریخی خاص داشته‌اند. به عبارت دیگر این مفاهیم انتزاعی و ساختگی نبوده‌اند و بر حسب اتفاق و تصادف به خاطر بعضی مردم خطور نکرده‌اند و این‌ها حقایقی هستند که در تاریخ و در نظر و فکر اندیشمندان ظهور کرده‌اند (۴). تساهل در اندیشه غرب، ریشه در آرا و نظریه‌های ارسطو دارد. از نگاه ارسطو سراسر جهان مملو از کثرت و تنوع و اختلاف است که عدم تساهل اختلاف‌ها و تکثر را از بین می‌برد، زیرا شخص نامتساهل که تنوع و اختلاف را تحمل نمی‌کند، درصدد همگون کردن آرا و رویه‌های رفتاری است و از این طریق، زمینه انتخاب و گزینش صحیح عقلی و عمل بر اساس آن، یعنی سعادت را محدود می‌سازد (۵: ۳۰۲). به نظر می‌رسد بهترین و دقیق‌ترین بستر برای آغاز تاریخچه مفهوم تساهل در تاریخ اندیشه سیاسی غرب در زمینه مذهب بود (۸: ۶۸). اما پیشگامان تساهل در تاریخ اندیشه غرب از این رهگذر به دنبال حل مشکل‌ها و بحران‌های دین و بر طرف کردن ذهنیت‌های منفی مردم نسبت به کارکردهای اجتماعی دین بر آمده بودند. اگر چه مفهوم تلورانس در اندیشه غرب به طور مشخص در قرن هفدهم متولد شد اما می‌توان گفت نهضت اصلاح دینی و نزاع میان کلیسا و دولت خاستگاه اصلی آن بوده است (۱۹: ۱۰)، و باید گفت تاریخ تحول اندیشه تساهل، گواه آن است که ابتدا در مناقشه‌های مذهبی مطرح بود بعدها به هر عقیده‌ای سرایت کرد (۳۷: ۴). نظریه‌پردازهای بسیاری به این مفهوم پرداخته‌اند که در زیر بعضی از آن‌ها ذکر شده است: وگت تحمل را به سه دسته تقسیم می‌کند: تحمل سیاسی، تحمل اخلاقی و تحمل اجتماعی. تحمل اجتماعی که بیانگر پذیرش ویژگی‌های اجتماعی افراد است که از بدو تولد به همراه داشته و در آغاز زندگی اجتماعی کسب

^۱. Voget

می‌کنند مانند رنگ پوست یا زبان. وی اشاره می‌کند این موضوع‌ها، موضوع مدارا یا عدم مدارا نیستند بلکه اعمال و رفتارهایی که با ویژگی‌های معینی از افراد در ارتباط هستند ممکن است که به وسیله تصورهای قالبی مناسب یا نامناسب متصور شوند در نتیجه این امکان وجود دارد که مورد مدارا واقع شوند یا نشوند (۳۳: ۲۴). به نظر وگت تحمل، خویشن‌داری نسبت به چیزهایی است که دوست ندارید (۴۷: ۱). در تعریف وگت چند مؤلفه اساسی قابل‌شناسایی است: اول برای صحبت از تحمل و مدارا بایستی جنبه‌ای از بیزاری اختلاف یا عدم تأیید وجود داشته باشد. اگر چنین مخالفتی وجود نداشته باشد ما در مورد تحمل و مدارا صحبت نمی‌کنیم بلکه در مورد بی‌تفاوتی یا همدلی ساده صحبت می‌کنیم. تحمل فقط در موارد بیزاری، اختلاف و عدم تأیید لازم است. از این رو با تفاوت مردم ارتباط تنگاتنگی دارد، علاوه بر این تحمل صرفاً به هر تفاوتی اشاره نمی‌کند بلکه ناظر به اختلافاتی است که مردم آن را مهم می‌دانند اگر مردم این اعتقاد را نداشته باشند، اگر درباره آن پروایی نداشته باشند منطقی است که بگوییم که آن‌ها نسبت به این تحمل لاقید هستند نه این که با آن مدارا می‌کنند. این خصوصیت مشروط تحمل و مدارا برای فهم آن چه که واقعاً تحمل است حیاتی است (۴۷: ۲). طبق نظر وگت برای مفهوم تحمل اجتماعی چهار بعد تحمل دینی، تحمل قومیتی، تحمل ملیتی، تحمل اجتماعی عمومی در نظر گرفته می‌شود (۳۳: ۲۴).

چونگ^۱ معتقد است موضوعی که به درستی درک نشده و محور به وجود آمدن بردباری می‌باشد، فرآیند سازگاری^۲ است. این فرآیند به طور خلاصه شیوه‌ای است که ضمن آن افراد گرایش‌های‌شان را در پاسخ به تغییر اعمال و رفتارهای اجتماعی تغییر می‌دهند. تغییر در هنجارها نه تنها محدودیت بردباری افراد را تغییر می‌دهد بلکه چگونگی احساس افراد پیرامون آن چه را که در موردش بردباری به خرج داده‌اند را عوض می‌کند فرآیند انطباق مشابه کاهش ناهمخوانی^۳ است. کاهش ناهمخوانی و عقلا نیت شیوه‌ای است که افراد را با شرایط جدید منطبق می‌کند و در حقیقت افراد ادراک غلط‌شان نسبت به موضوع را تصحیح می‌کنند از طریق این فرآیند ترس و اضطراب کنترل می‌شود و دیدگاه خویشن‌دارانه که ذات بردباری است گسترش می‌یابد. بنابراین، بردباری به سخاوت کسانی که مایل به خویشن‌داری و تنبیه کسانی است که از هنجارهای اجتماعی منحرف شده‌اند بستگی ندارد، بلکه به توانایی افراد در کاهش ترس و اضطراب و تطبیق با افکار جدید و گروه‌های بستگی دارد (۱۲: ۶۲). به عبارت دیگر هرچه احساس امنیت بیشتر باشد، بردباری نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس با کاهش احساس امنیت، بردباری نیز کاهش خواهد یافت.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی پیتر بلاو^۴ افراد متعلق به طبقات پایین زمانی که شرایط زندگی‌شان را با افراد مرفه‌تر مقایسه می‌کنند، احساس محرومیت و ناخرسندی می‌کنند. از آن جایی که طبقه اقتصادی و نژادی در این افراد سبب ایجاد بی‌عدالتی و ناخرسندی می‌شود، بنابراین احساس محرومیت می‌کنند. در جامعه‌ای که نابرابری وجود دارد و به وسیله ابزارهای قانونی موقعیت‌های پیشرفت افراد گرفته می‌شود، افراد

^۱. Chong, Dennis

^۲. Adjustment

^۳. Dissonance

^۴. Peter Michael Blau

احساس بی‌اعتمادی به جامعه می‌کنند. ناکامی مستمر که از این دسته از احساس‌های مربوط به عدم کفایت ناشی می‌گردد سبب ایجاد پرخاشگری و خصومت سرکوب شده می‌گردد و در نهایت سبب جرم و خشونت می‌شود (۲۷: ۱۵)، که می‌توان گفت ناشی از کاهش تحمل اجتماعی است. هم‌چنین هر اندازه کوشش فرد برای دستیابی به یک ارزش بیشتر باشد اهمیت این ارزش برایش بیشتر می‌شود و هر چه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقای اجتماعی افزایش یابد، احساس محرومیت نسبی افزایش می‌یابد (۳۴: ۴۶). این وضعیت هم در مورد اقشار پایین و هم در مورد اقشار بالای جامعه نمود پیدا می‌کند.

بوزان و ویور^۱ معتقدند نابرابری عاملی در کاهش امنیت در جامعه محسوب می‌شود. آن‌ها معتقدند که امنیت برساخته تصور آدم‌هایی است که در اجتماع زندگی می‌کنند و بوزان نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند و معتقد است امنیت در اجتماع ساخته می‌شود زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید نگاه کنند. بنابراین وقتی در جامعه نابرابری وجود داشته باشد، این نابرابری باعث به وجود آمدن احساس نابرابری در افراد جامعه می‌شود، احساس نابرابری در مردم نوع خاصی از نگرش و باور را تولید می‌کند که باعث احساس کاهش امنیت می‌شود (۱۷: ۴۴۶).

در نظر دورکیم هنجارها و ارزش‌ها که راهنمای عمل افراد هستند که سبب همبستگی اجتماعی می‌داند، به این صورت افراد جامعه از رفتارهای نقض‌کننده وحدت جامعه خودداری کرده تا همسو با ارزش‌های جامعه باشند. دورکیم دو علت اصلی همبستگی اجتماعی را وجود سیستمی از ارزش‌ها و باورهای مشترک و هم‌چنین روابط بین اعضای جامعه می‌داند. دورکیم معتقد است که دین هر دو این‌ها را فراهم می‌نماید. در وهله اول دین با ارائه یک سیستم ارزشی غیر قابل انکار باعث شکل‌گیری یک روح جمعی می‌گردد که در نتیجه افراد خود را ملزم به تبعیت از این سیستم ارزشی می‌دانند. ثانیاً دین سبب می‌گردد تا افرادی که دارای یک سیستم عقیدتی و ارزشی مشترکی هستند با هم روابط و تعاملات زیادی داشته باشند. در حقیقت بر اساس نظر دورکیم متون مقدس به دلیل وجود اصول و نشانه‌هایی که برای رفتارهای مؤمنان تجویز می‌کند، رفتار مؤمنان را جهت داده و آن‌ها را نسبت به رفتارهای خارج از چارچوب این متون حساس می‌کند (۱۳). در واقع هنگامی که خواستار تنبیه مجرم می‌شویم به خاطر انتقام شخصی خود ما نیست، بلکه به خاطر حرمت چیز مقدسی است که با تصور کم و بیش روشنی از آن به صورت نیرویی خارج و برتر از ما در وجودمان داریم (۱۶: ۹۳). بر اساس تحلیل دورکیم مدارای دین‌داران با کسانی که بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول آن‌ها رفتار نمی‌کنند، کمتر می‌باشد.

تئوری انگیزه دینی استدلال می‌کند که در نظر گرفتن انگیزه‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به دین، مفهوم‌پردازی مفیدتری از دین‌داری به دست خواهد داد (۳۶). انواع انگیزه یا جهت‌گیری دینی (درون سو،

¹ Buzan & Weaver

برون سو) در رابطه بین دین‌داری و تحمل اجتماعی تأثیرگذار است. بر اساس نظریه آلپورت^۱ افراد با جهت‌گیری برون سو رویکردی سودمندانه و متعصبانه به دین دارند (شخصیت‌های اقتدارطلب) این افراد در اندیشه یافتن دینی ارزش‌مند به عنوان منبعی برای منزلت اجتماعی هستند و از این رو آن‌ها احتمالاً در اندیشه هم‌نوابی با روندهای اجتماعی عمومی هم‌چون تعصب هستند و افراد با جهت‌گیری درون سو به لحاظ نظری کاهش تعصب را پیش‌بینی می‌کند، زیرا افراد با سطح بالا در این جهت‌گیری معنای عبادی کامل‌تری را از دین استنتاج می‌کنند و احتمالاً آموزه‌های دینی مربوط به برادری شفقت و غیره را می‌پذیرند (شخصیت‌های مداراجو) اگر افراد دارای دین‌داری برون سو باشند، دین‌داری باعث سطح پایین تحمل اجتماعی می‌شود و اگر دارای دین‌داری درون سو باشند دین‌داری باعث سطح بالای تحمل اجتماعی می‌شود.

طبق نظر آلتیمر و هانسبرگر^۲ اقتدارگرایان تمایل دارند از بسیاری جهات به گونه‌ای مذهبی عمل کنند. اقتدارگراها تمایل دارند آموزه‌های مربوط به دین کودکی خود را به بزرگسالی منتقل کنند، بیشتر از سایر افراد به کلیسا بروند دعا بخوانند و کتاب مقدس بخوانند. در طول زندگی تردید کمی در مورد دین خود داشته‌اند در عین حال انواع خاصی از آموزه‌های مذهبی، اقتدارگرایی را در فرد ترویج می‌دهد. این آموزش به آن‌ها می‌آموزد که بیشتر در برابر اقتدار تسلیم و مطیع باشند و افرادی که مذهبی نیستند کمترین اقتدارگرایی را دارند (۲: ۱۱۵). تئوری اقتدارگرایی بر انسجام اجتماعی یا گروهی تأکید دارد و بیان می‌کند اشخاصی که اقتدارگرایی بالایی دارند تمایل زیادی به ارزش امنیت و انطباق دارند. از آن جایی که دین دارای کارکرد انسجام‌بخشی و نظم‌بخشی در جامعه می‌باشد می‌تواند در خدمت اقتدارگرایی قرار بگیرد و به عنوان یک نظام معنایی در خدمت افراد اقتدارگرا باشد. بنابراین هر چه دین‌داری بیشتر باشد اقتدارگرایی نیز بیشتر است.

هم‌چنین آدورنو و هور کهایمر^۳ به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند. منظور از کاراکتر قدرت‌گرا، کاراکتر فردی هست که تمایل شدید به سنت‌ها، گرایش شدید به حفظ قدرت سیاسی و اجتماعی داشته و در برابر اتوریتته‌های سیاسی والاتر به مثابه رعیت و مطیع برخورد می‌کند. ویژگی‌های اصلی کاراکتر قدرت‌گرا به این صورت است که شخصیت نامتساهل جهان را پر از تهدیدات خصمانه می‌بیند، عمیقاً ناامن و مضطرب است دیگران را به خاطر بدبختی‌های خود سرزنش می‌کند و با پدر و مادر خود رابطه‌ای مبهم دارد. در نتیجه احساس ضعف و ناامنی، جاه‌طلب می‌شود و مطیع بالادستان و سرکوبگر زیردستان است. نه شاخص در مقیاس فاشیسم برای این شخصیت در نظر گرفتند (۷: ۱۳۴). شخصیت‌های اقتدارگرا افرادی هستند که دارای مدارای پایین و پرخاشگر و پیروی کورکورانه از دیگران بوده و هر کس ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها را نقض کند مورد خشونت قرار خواهد گرفت.

1. Gordon Willard Allport

2. Altemeyer & Hunsberger

3. Max Horkheimer & Adorno

علاوه بر این در نظر‌گیدنز خطر و امنیت دو روی سکه را تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است خطر رخت بر بسته است و بالعکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم امنیت معشوش و پنهان است. گیدنز^۱ معتقد است که دین وسیله سازمان دهنده احساس امنیت به چند شیوه است، نه تنها خدایان و نیروهای مذهبی، حمایت‌های قابل اتکای معیشتی را برای مؤمنان فراهم می‌سازد، بلکه کارگزارن نیز این کار را انجام می‌دهند. باورداشت‌های مذهبی مهم‌ترین کارشان این است که معمولاً به انسان در مقابل تجربه رویدادها و موقعیت‌ها، احساس آرامش و امنیت تزریق می‌کنند(۲۴: ۱۲۴).

در رابطه با هوش فرهنگی موترز^۲ بیان کرده است که ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف به مدارای بیشتری از افراد در کشورها منجر می‌شود، چرا که با افزایش برخوردها و ارتباطات بین افراد از فرهنگ‌های مختلف، نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد و تحمل اجتماعی به ارزیابی مستقیم برخورد با افرادی که از گروه‌های دیگر مربوط می‌شود(۳۰)، که این امر مستلزم هوش فرهنگی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در محیط‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند.

هابرماس^۳ در نظریه خود افراد را موظف به ارائه دلیل و انجام گفتگو می‌نماید و به این طریق فضای مناسبی برای مدارا فراهم می‌نماید. کنش ارتباطی به نظر هابرماس فرآیندی است که در آن کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوت‌شان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است هنگامی که بین دو طرف اختلاف نظری بروز می‌کند، آن‌ها در صورتی می‌توانند بدون توسل آشکار و پنهان به خشونت هم چنان با یکدیگر ارتباط داشته باشند که دلیل بیاورند و دلیل بخواهند. بنابراین فضای گفتگو و کنش ارتباطی می‌تواند یکی از راه‌هایی باشد که مانع از انجام خشونت شود(۲۶: ۳۹۰). در محیط‌های اجتماعی که افراد فرهنگ‌های متفاوتی دارند برای به ثمر نشستن این کنش ارتباطی توأم با تحمل و مدارا هوش فرهنگی می‌تواند نقش به‌سزایی داشته باشد.

بر اساس مبانی نظری مطرح شده تحمل اجتماعی را می‌توان قاعده تعامل در روابط انسانی در نظر گرفت که از عوامل گوناگونی تاثیر می‌پذیرد و بر روابط انسانی نیز تاثیر می‌گذارد. به عنوان جمع‌بندی باید اذعان داشت که هیچ یک از نظریات مطرح شده به تنهایی برای تعیین عوامل موثر بر تحمل اجتماعی کفایت نمی‌کند، از این رو از ترکیبی از نظریات استفاده شد. هم‌چون نظریه چوگنک در رابطه با احساس امنیت اجتماعی، نظریه محرومیت نسبی بلاو برای احساس نابرابری، نظریات دورکیم و آلپورت برای دین‌داری، نظریه آدورنو و هورکهایمر برای اقتدارطلبی و نظریات موترز و هابرماس برای هوش فرهنگی و ... استفاده شده است.

1. Anthony Giddens

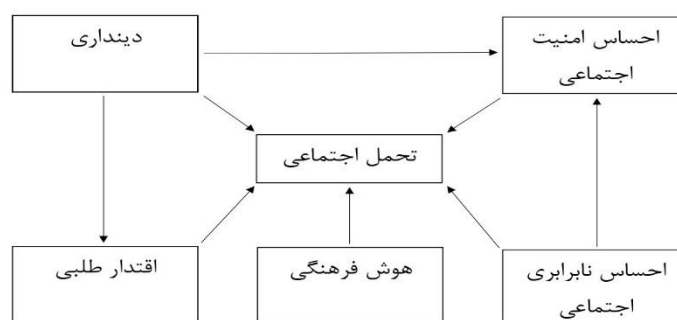
2. Mutz

3. Habermas

بر پایه آن چه که در تحقیق‌های پیشین و مبانی نظری گفته شد فرضیه‌های زیر برای این تحقیق در نظر گرفته شده است:

- ۱) بین احساس امنیت اجتماعی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲) بین احساس نابرابری اجتماعی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳) بین دین‌داری و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴) بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵) بین اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۶) بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۷) بین احساس نابرابری اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۸) بین دین‌داری و اقتدارطلبی رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی



شکل شماره (۱): مدل تحلیلی تحقیق

ابزار و روش

تحقیق حاضر در پارادایم اثبات‌گرایی از نظر رویکرد، کمی و با استراتژی قیاسی و با روش، پیمایشی انجام شده است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه یک مطالعه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. به طوری که روش گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان ۲۰ سال به بالا ساکن شهر اصفهان می‌باشد (با این توضیح که جوان در این سن هویت فردی و اجتماعی‌اش شکل گرفته و نسبت به جامعه آگاه و مسئول عمل می‌کند) که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ انجام شده است ۱۴۵۴۱۸۶ نفر می‌باشد.

در این پژوهش حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار Gpower و با سطح اطمینان ۹۵٪ و توان ۸۰٪ و حجم اثر ۰/۰۳ حجم نمونه ۴۶۱ نفر به دست آمده است. شیوه نمونه‌گیری به صورت غیر احتمالی - سهمیه‌ای می‌باشد. با توجه به موضوع پژوهش و متغیرهای مورد بررسی، برخی از سئوالات مطرح شده در پرسشنامه جنبه روانی، سیاسی، ارزشی دارند و به این شیوه پاسخگو از ناشناخته ماندن مطمئن می‌باشد و با اعتماد بیشتری ذهنیت‌های واقعی خود را بروز دهد. در این تحقیق ملاک تعیین بر اساس پایگاه اجتماعی - اقتصادی است. پایگاه اجتماعی - اقتصادی مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان با توجه به سه شاخص تحصیلات، درآمد، شغل افراد، به پنج دسته پایین مناطق (۱۱، ۱۴، ۱۵)، متوسط رو به پایین مناطق (۲، ۷، ۹)، متوسط مناطق (۴، ۱۰، ۱۲)، متوسط رو به بالا (۳، ۸، ۱۳) و بالا مناطق (۱، ۵، ۶) تقسیم شده‌اند (۵۵)، که منطقه ۶ از طبقه بالا، منطقه ۳ از طبقه متوسط رو به بالا، منطقه ۴ از طبقه متوسط، منطقه ۹ از طبقه متوسط رو به پایین و منطقه ۱۵ از طبقه پایین به صورت اتفاقی انتخاب شدند که با توجه به جمعیت بالای ۲۰ سال هر یک از این مناطق طبق آمارنامه شهر اصفهان (۴۶)، جمعیت مناطق (۳، ۴، ۶، ۹، ۱۵) ۴۱۲۱۱۰ نفر می‌باشد که بر اساس تناسب بین جمعیت جامعه آماری و جمعیت حجم نمونه، نمونه انتخابی مورد مطالعه هر منطقه محاسبه گردید. در مرحله بعد تکمیل پرسشنامه‌ها صورت گرفت. برای منطقه ۶ در محله هزارجریب، برای منطقه ۳ در محله احمدآباد، برای منطقه ۴ در محله پینارت همدانیان، برای منطقه ۹ در محله نصرآباد، برای منطقه ۱۵ در محله کنگاز بین افرادی که در محله سکونت داشتند، به طور اتفاقی توزیع شد و داده‌های تحقیق جمع‌آوری شدند.

جدول شماره (۱): توزیع جامعه و نمونه آماری به تفکیک پایگاه اجتماعی اقتصادی

مناطق شهری	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	منطقه منتخب	تعداد جمعیت	تعداد نمونه منطقه
۶، ۵، ۱	بالا	منطقه ۶	۸۱۸۸۳	۹۲
۱۳، ۸، ۳	متوسط رو به بالا	منطقه ۳	۸۰۵۶۶	۹۰
۱۲، ۱۰، ۴	متوسط	منطقه ۴	۱۰۰۹۶۲	۱۱۳
۹، ۷، ۲	متوسط رو به پایین	منطقه ۹	۵۵۵۸۸	۶۲
۱۵، ۱۴، ۱۱	پایین	منطقه ۱۵	۹۳۱۱۱	۱۰۴

منبع: (سالنامه آماری شهر اصفهان).

در این پژوهش برای متغیرهای تحمل اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی و اقتدارطلبی از پرسشنامه محقق ساخته، برای متغیر دین‌داری از پرسشنامه دین‌داری گلاک و استارک و برای هوش فرهنگی از پرسشنامه ارلی و انگ استفاده شده است. همچنین در این تحقیق از اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تشخیص اعتبار محتوا وسیله سنجش (پرسشنامه) در مراحل مختلف در اختیار استادان مربوطه قرار گرفت و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع ایرادها و اضافه نمودن موارد ناقص و دیدگاه‌های ایشان در جهت تصحیح و رفع اشکالات و اضافه نمودن موارد ناقص در پرسشنامه لحاظ، در نهایت پرسشنامه تأیید و نهایی شد. به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده

گردیده است. بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش‌آزمون می‌گردد و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسشنامه و به کمک نرم افزار آماری spss میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول شماره (۲): ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا
تحمل اجتماعی	۲۰	۰/۷۰
احساس امنیت اجتماعی	۱۸	۰/۷۰
دین‌داری	۱۵	۰/۸۱
احساس نابرابری اجتماعی	۶	۰/۷۳
هوش فرهنگی	۲۰	۰/۸۳
اقتدارطلبی	۵	۰/۷۱

بعد از استخراج و کدبندی داده‌های جمع‌آوری شده در بخش توصیفی با استفاده از ابزارهایی نظیر جدول فراوانی و شاخص‌های گرایش مرکزی (مانند میانگین) و پراکندگی (مانند انحراف معیار)، به توصیف ویژگی‌های جامعه پرداخته خواهد شد. در بخش استنباطی از مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS-22 و Amos تحلیل و تفسیر شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

در پژوهش حاضر فراوانی جنسیت پاسخگویان که ۲۰۶ نفر پاسخگویان (۴۴/۷ درصد) مرد و ۲۵۵ نفر (۵۵/۳ درصد) زن بودند. به عبارتی دیگر تعداد زنان در این مطالعه بیشتر از مردان بوده است. هم‌چنین ۷۴ نفر پاسخگویان (۱۶/۱ درصد) سن شان بین ۲۰ تا ۲۵ سال، ۱۴۰ نفر (۳۰/۴ درصد) بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۱۷۰ نفر (۳۶/۹ درصد) بین ۳۶ تا ۴۵ سال، ۴۱ نفر (۸/۹ درصد) بین ۴۶-۴۶ سال و ۶ نفر (۷/۸ درصد) بیشتر از ۵۵ سال سن دارند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود افراد دارای سن ۳۶-۴۵ سال بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. نتایج فراوانی مذهب پاسخگویان نشان داد که ۴۵۶ نفر پاسخگویان (۹۸/۹ درصد) مسلمان و ۵ نفر (۱/۱ درصد) دارای مذهب‌های دیگر بودند و ۳۵۴ نفر پاسخگویان (۷۶/۸ درصد) دارای قومیت فارس، ۴۷ نفر (۱۰/۲ درصد) لر، ۷ نفر (۱/۵ درصد) کرد، ۲۱ نفر (۴/۶ درصد) ترک و ۳۲ نفر (۶/۹ درصد) از پاسخگویان متعلق به سایر اقوام بودند که بیشترین فراوانی مربوط به اقوام فارس می‌باشد، ۱۶۸ نفر پاسخگویان (۳۶/۴ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۸ نفر (۳/۹ درصد) دارای تحصیلات در سطح ابتدایی می‌باشند که به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی به خود اختصاص داده‌اند و ۲۶۴ نفر پاسخگویان (۵۷/۳ درصد) شاغل، ۶۴ نفر (۱۳/۹ درصد) دانشجو، ۳۷ نفر (۸ درصد) و سایر شغل‌ها ۹۶ نفر و ۲۰/۸ درصد را شامل می‌شود.

نتایج حاصل از توزیع نسبی و شاخص‌های آماری مربوط به مفاهیم اصلی تحقیق (متغیرهای مستقل و وابسته) در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۳): توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	میانگین	کمینه	بیشینه	انحراف			سطوح (درصد)	
				معیار	پایین	متوسط	متوسط رو	بالا
تحمل اجتماعی	۴۲/۷۱	۲۶	۷۵	۶/۳۰	۱۱/۷	۶۶/۴	۱۸/۴	۳/۳
احساس امنیت	۵۲/۶۹	۲۲	۷۲	۶/۸	۰/۲	۱۳/۹	۷۶/۱	۹/۸
احساس نابرابری	۱۵/۰۱	۶	۲۸	۳/۹	۱۹/۰۸	۳۲/۷	۳۱/۱	۱۷/۳
دین‌داری	۳۴/۵۴	۱۲	۵۹	۸/۴۹	۵/۶	۲۵/۲	۶۷/۷	۱/۵
هوش فرهنگی	۵۴/۶۶	۲۰	۸۸	۱۰/۳۳	۰/۷	۳۸/۴	۶۰/۷	۰/۲
اقتدارطلبی	۱۷/۵۸	۵	۲۵	۳/۸۴	۲/۴	۲۳	۵۰/۱	۲۴/۵

بر اساس یافته‌های تحقیق متغیر تحمل اجتماعی با میانگین ۴۲/۷۱ نشان از حد متوسط رو به پایین از تحمل اجتماعی شهروندان دارد. هم‌چنین متغیر احساس امنیت اجتماعی با میانگین ۵۲/۶۹ حاکی از حد متوسط رو به بالا احساس امنیت شهروندان دارد؛ و میانگین نمره متغیر احساس نابرابری افراد در نمونه تحقیق ۱۵/۰۱، متوسط رو به پایین می‌باشد و متغیر دین‌داری با میانگین ۳۴/۵۴ در حد متوسط، میانگین نمره متغیر هوش فرهنگی افراد در نمونه ۵۴/۶۶، نیز در حد متوسط می‌باشد. از نظر اقتدارطلبی با میانگین ۱۷/۵۸ نمره افراد متوسط رو به بالا می‌باشد.

تحلیلی رگرسیون خطی بین متغیر تحمل اجتماعی و متغیرهای مستقل

هدف از تحلیل رگرسیونی، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. برای تبیین رابطه بین تحمل اجتماعی بر اساس متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج نشان داد که متغیرهای مستقل وارد شده به مدل دارای رابطه خطی با متغیر مستقل می‌باشند. نتایج آزمون نشان داد چون سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، فرضیه H_0 رد شده و میان تحمل اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن رابطه مستقیمی وجود دارد. در این میان عوامل به ترتیب، هوش فرهنگی با بتای ۰/۲۵۱ و امنیت اجتماعی با بتای ۰/۱۵۵ بیشترین و کمترین تأثیر را در پیش‌بینی تحمل اجتماعی شهروندان شهر اصفهان دارند. ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد، ۰/۲۴ تغییرات بین مشاهدات، به وسیله مدل رگرسیون خطی، شامل متغیرهای مستقل، تبیین شده است (جدول ۴).

جدول شماره (۴): خلاصه آماره‌های مربوط به تجزیه رگرسیونی

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح شده	اشتباه معیار برآورد
۰/۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۴۲	۵/۴۹

نتیجه کلی از این سنجش چند متغیره این است که رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، ضمن اینکه تأیید شده، خطی نیز است. نتایج حاصله از تحلیل رگرسیونی چندگانه متغیرهای موجود در مدل را می‌توان به صورت استاندارد شده در معادله زیر نشان داد:

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_cx_c + \dots + b_nx_n + e$$

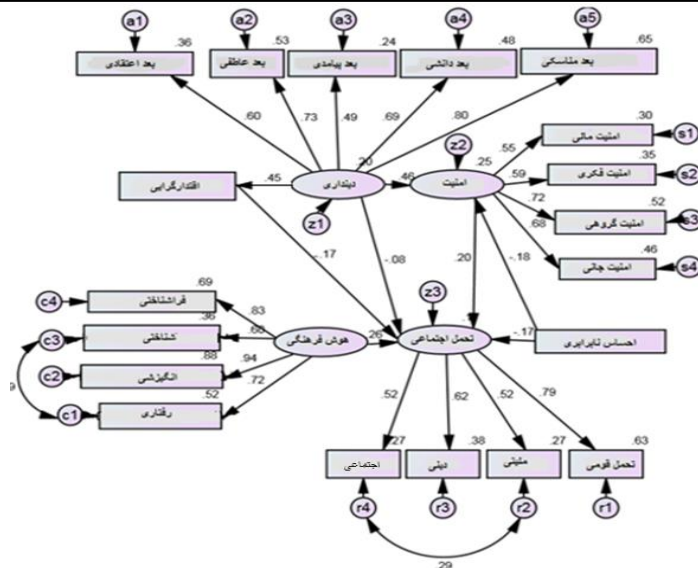
$$(امنیت اجتماعی ۰/۱۵) + (اقتدارطلبی -۰/۱۶) + (نابرابری -۰/۱۸) + (هوش فرهنگی ۰/۲۵) = \text{تحمل اجتماعی}$$

جدول شماره (۵): متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی

متغیر	بتا	کمیت t	سطح معنی‌داری	آنالیز واریانس
احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۵۵	۳/۲۱	۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری کمیت F ۳۰/۳۳
احساس نابرابری اجتماعی	۰/۱۸۹	۴/۲۶	۰/۰۰۱	
هوش فرهنگی	۰/۲۵۱	۵/۵۲	۰/۰۰۱	
اقتدارطلبی	۰/۱۶۲	۳/۵۳	۰/۰۰۱	
دین‌داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۹۹۸	

مدل‌سازی معادلات ساختاری تحقیق

الگو معادلات ساختاری به همراه ضرایب رگرسیونی در شکل (۲) ارائه شده است. مدل ذیل به آزمون اعتبار سازه‌ای عوامل و ویژگی‌های اجتماعی احساس امنیت اجتماعی، احساس نابرابری اجتماعی، هوش فرهنگی، دین‌داری و اقتدارطلبی مؤثر بر تحمل اجتماعی و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیر هوش فرهنگی با اثر مستقیم (۰/۲۶) بیشترین مقدار واریانس ارتقا تحمل اجتماعی را تبیین کرده است.



شکل شماره (۲): مدل‌سازی معادلات ساختاری

در جدول (۶)، اهم شاخص‌های برازش مدل نمایش داده شده است. شاخص‌های کلی برازش وضعیت مطلوبی را برای مدل مفروض نشان می‌دهد. مقادیر شاخص‌های TLI و CFI (۰/۸۲ و ۰/۸۶) به علت پیچیدگی مدل به مقدار ۰/۹۰ نزدیک است. مقدار شاخص‌های مقتصد PCFI و PNFI (۰/۶۷ و ۰/۶۴) نشان می‌دهد که اقتصاد مدل رعایت شده است. از طرفی مقدار ۰/۰۵۱ برای شاخص RMSEA نیز گویای آن است که مدل با داده‌های به خوبی برازش یافته و این مدل تأیید می‌گردد.

جدول شماره (۶): شاخص‌های مدل آزمون نیکویی برازش ساختار نظری

مقتصد		تطبیقی			مطلق			
RMSEA	PCFI	PNFI	CMIN/DF	CFI	TLI	P	DF	CMIN
۰/۰۵۱	۰/۶۷	۰/۶۴	۴/۴	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۰۰۱	۷۱	۱۹۷,۴۵

پس از بررسی و تأیید الگو برای آزمون معناداری فرضیه‌ها از دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P استفاده شده است. مقدار بحرانی مقداری است که از حاصل تقسیم «تخمین وزن رگرسیونی» بر «خطای استاندارد» به دست می‌آید. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد. کمتر از این مقدار، پارامتر مربوط در الگو، مهم شمرده نمی‌شود و هم‌چنین مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه شده برای ضرایب رگرسیونی با مقدار صفر در سطح اطمینان ۰/۹۵

دارد. چنانچه مقدار P کمتر از ۰/۹۵ باشد می‌توان گفت فرضیه با اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید است. فرضیه‌ها به همراه ضرایب رگرسیونی در جدول (۷) آورده شده است.

جدول شماره (۷): اثر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر تحمل اجتماعی

متغیرها	نوع اثر		اثر کل (اثر مستقیم+اثر غیر مستقیم)
	مستقیم	غیرمستقیم	
اقتدارطلبی	-۰/۱۷۳	*	-۰/۱۷۳
دین‌داری	-۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۰۱
احساس امنیت اجتماعی	۰/۱۹۹	*	۰/۱۹۹
هوش فرهنگی	۰/۲۶۰	*	۰/۲۶۰
احساس نابرابری اجتماعی	-۰/۱۶۰	-۰/۰۳۶	-۰/۱۹۶

بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیر هوش فرهنگی با اثر مستقیم و کل (۰/۲۶۰) بیشترین مقدار واریانس تحمل اجتماعی را تبیین کرده است. بعد از آن به ترتیب امنیت اجتماعی در کل با میزان (۰/۱۹۹)، احساس نابرابری با تأثیر کل (-۰/۱۹۶) و با اثر مستقیم (-۰/۱۶۰) و اثر غیر مستقیم (۰/۰۳) و اقتدارگرایی با تأثیر مستقیم (۰/۱۷۳) تحمل اجتماعی را تبیین کرده است. نتایج به دست آمده از آزمون مدل فوق نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون تأثیرپذیری تحمل اجتماعی از احساس نابرابری، هوش فرهنگی، احساس امنیت، اقتدارگرایی و دین‌داری به ترتیب برابر با -۰/۱۶۰، ۰/۲۶۰، ۰/۱۹۹، -۰/۱۷۳ و -۰/۰۸ است.

چون P- مقدار کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=۰/۰۵$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که تحمل اجتماعی از اقتدارگرایی، هوش فرهنگی و احساس نابرابری و احساس امنیت تأثیر معنی‌داری می‌پذیرد؛ اما متغیر دین‌داری بر تحمل اجتماعی معنادار نبود. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه امنیت اجتماعی با تحمل اجتماعی برابر با ۰/۲۰ است و P- مقدار (معنی‌داری) با کمی اغماض مورد تأیید است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که امنیت اجتماعی با تحمل اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه احساس نابرابری با تحمل اجتماعی برابر با -۰/۱۶ است و P- مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=۰/۰۵$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که احساس نابرابری با تحمل اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه دین‌داری با تحمل اجتماعی برابر با -۰/۰۸ است و چون P- مقدار (معنی‌داری) بزرگ‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=۰/۰۵$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد نمی‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که دین‌داری با تحمل اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه هوش فرهنگی با تحمل اجتماعی برابر با $0/26$ است و چون P -مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که هوش فرهنگی با تحمل اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه اقتدارطلبی با تحمل اجتماعی برابر با $0/17$ است و P -مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که اقتدار طلبی با تحمل اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه دین‌داری با احساس امنیت اجتماعی برابر با $0/46$ است و چون P -مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که دین‌داری با امنیت اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه نابرابری اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی برابر با $0/18$ است و چون P -مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که احساس نابرابری با امنیت اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون رابطه دین‌داری با اقتدارطلبی برابر با $0/45$ است و P -مقدار (معنی‌داری) کوچک‌تر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ است لذا در این سطح فرض H_0 رد می‌شود و در نتیجه می‌توان گفت که دین‌داری با اقتدارطلبی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحمل اجتماعی به عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی، در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه عقیده دیگری، به رغم مخالفت شخصی با آن عقیده در نظر گرفته می‌شود (۴۴: ۹۸). تحمل اجتماعی لازمه جامعه امروز است چرا که برای تغییر وضعیت اجتماعی نیازی به طرد اقوام و اقشار اجتماعی نیست چون بر اساس اصل پذیرش دیگری نه تنها به خودداری از ابراز احساس منفی به هر چیز متفاوت اشاره دارد بلکه بیانگر این است که برای بهبود زندگی اجتماعی لازم است. از پیامدهای آن می‌توان به دست‌یابی به خواسته‌ها، فائق آمدن بر مشکلات و آسان نمودن روابط اجتماعی اشاره کرد (۳۱: ۱۲۰). تحمل اجتماعی نیز مانند هر رفتار دیگر باید از دوران کودکی به تدریج آغاز و تا دوران نوجوانی استمرار یابد تا در جوانی و بزرگسالی به ثبات برسد. در این میان نقش ارتباط و گفتگو بسیار حائز اهمیت است. به این دلیل که در جهان امروز اکثریت کشورها از جمعیتی ناهمگون از نظر نژادی، مذهبی و فرهنگی برخوردارند. با وجود تحمل اجتماعی فضای نقادی و مسئولیت رشد می‌کند و روابط کلامی و ارتباطی را تغییر می‌دهد. ارج نهادن به تنوع، توانایی زندگی کردن با دیگران و انتخاب عقاید فردی و به رسمیت شناختن دیگری متفاوت در گرو تحمل و بردباری به عنوان ارزش اخلاقی و اجتماعی است که پایه و اساس صلح و دموکراسی و از

مؤلفه‌های مهم زندگی اجتماعی در دنیای خشونت‌بار امروز به شمار می‌آید؛ بنابراین با بالا بردن سطح تحمل اجتماعی هم در سطح ملی و هم بین‌المللی می‌توان به سمت پرهیز از خشونت حرکت کرد. با توجه به این که شهر اصفهان آمیخته‌ای از سنت و مدرنیته دارای الگوهای متنوع زندگی است که عقیده‌ها و ارتباط‌های متفاوتی را عرضه می‌کند، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحمل اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق متغیر تحمل اجتماعی با میانگین ۴۲/۷۱ نشان از حد متوسط رو به پایین از تحمل اجتماعی شهروندان دارد. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیان می‌دارد که مطابق با فرضیه اول بین احساس امنیت اجتماعی و تحمل اجتماعی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به این ترتیب با نظریه چونگ که احساس امنیت اجتماعی را دلیل سازگاری و بردباری می‌داند همخوانی دارد. همچنین با نتایج تحقیقات بیاتی و همکاران (۱۳۹۸)، وهاکس هاج و زاگوتی (۲۰۲۱)، که اشاره کرده‌اند احساس امنیت اجتماعی بر ارتقای تحمل اجتماعی تأثیرگذار است همراستا است. از آن جایی که احساس امنیت از احتیاجات بنیادین انسان‌هاست توجه ویژه به آن حائز اهمیت است. چرا که قاعدتاً بر امور مختلف زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد. عدم احساس امنیت به خصوص در فضای شهری که ناهمگونی بالایی دارد سبب کاهش کیفیت زندگی و زمینه‌ساز انواع آسیب‌های اجتماعی می‌تواند باشد. همچنین احساس امنیت است که روحیه مداراجویی را در شهروندان بالا برده که خود عاملی در کاهش انواع جرائم شهری می‌باشد. اگر فعالیت‌های یک جامعه سبب ایجاد احساسات مثبت در افراد شود به این صورت احساس امنیت اجتماعی نیز ارتقا می‌یابد و به موازات آن تحمل اجتماعی افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم رابطه احساس نابرابری با تحمل اجتماعی را بررسی می‌کند که این رابطه به صورت منفی و معنادار تأیید شد و مطابق با نظریه محرومیت نسبی که بیان می‌دارد، محرومیت از فعالیت‌ها و مزایای اجتماعی در بسترهای تبعیض‌آمیز اولیه می‌تواند موجب افول تحمل اجتماعی شود. حتی ممکن است کل جامعه از نظر برخورداری از امکان‌های رفاهی، حق و حقوق اجتماعی دارای سطح قابل قبولی باشند اما چون در محرومیت نسبی احساس نابرابری در مقایسه با دیگران رخ می‌دهد این احتمال وجود دارد که افراد خود را با کسانی مقایسه کنند که از آن‌ها برخوردارترند و در نتیجه احساس نابرابری آن‌ها بیشتر می‌شود. به همین دلیل افراد طبقه پایین در قیاس شرایط زندگی‌شان با افراد مرفه دچار این احساس می‌شوند و افراد طبقه بالا نیز بعضاً دچار این احساس نابرابری و محرومیت هستند که از مقایسه با افراد بالاتر از خود است. چنانچه عوامل زمینه‌ساز شکاف طبقاتی کاهش باید تا حدودی این احساس نابرابری نیز افول می‌کند. چنانچه بستر فرصت‌ها و ظرفیت‌های لازم برای رشد و پیشرفت و برخورداری به طور منطقی فراهم باشد مردم به جای مقایسه دائمی خودشان در جهت اعتلای فردی‌شان تلاش می‌کنند و با رفتارهای بردبارانه و مداراجویانه با یکدیگر برخورد می‌کنند. گلابی و همکاران (۱۳۹۹)، کین‌گانگ وی (۲۰۲۲)، نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید هر چه احساس نابرابری بیشتر شود، تحمل عمومی نیز کمتر می‌شود.

فرضیه سوم به بررسی رابطه دین‌داری با تحمل اجتماعی می‌پردازد که این نتیجه حاصل شد که رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه رد شد. مطابق با نظریه دورکیم کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. هم‌چنین مذهب هنجارهایی برای وجدان جمعی تجویز می‌کند و انتظار دارد اعضای جامعه آن را درونی کرده و بر مبنای آن عمل کنند. در نتیجه اعمال و عقایدی که مخالف هنجارهای مذهبی باشد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. هم‌چنین نظریه آلپورت که انگیزه‌های افراد از دین را مشخص کرده است، بیان می‌دارد که دین‌داران درون دینی (شخصی) به معنای عبادی دین و آموزه‌های دینی که تأکید به برادری دارند توجه می‌کنند و تحمل و مدارا بالایی دارند. می‌توان این طور توضیح داد که در کشور ما با توسعه و نوسازی، تغییرات ساختاری ایجاد شده مانند تنوع و تکثر فرهنگی، گسترش روحیه علمی و عقلانیت سبب افول نقش دین به ویژه در باورها و اعمال دینی شده است. در این زمینه اینگلههارت معتقد است زمانی که افراد در حالت فشار عصبی هستند به اطمینان خاطر در مورد آن چه رخ خواهد داد نیاز دارند زیرا در خطر هستند؛ اما کسانی که در رفاه زندگی می‌کنند قابلیت تحمل چیزهای مبهم را دارند و نیاز کمتری به قوانین انعطاف‌ناپذیر دینی دارند. با فرو کاستن ارزش‌های دینی بحران هویت دینی ایجاد شده است. ضرورت بازاندیشی دینی توسط متولیان و مسئولین نهادهای دینی حائز اهمیت است که عملکردهای اجتماعی را مدام در معرض بازسنجی قرار دهند و اطلاعات جدید اصلاح شود. به این صورت امید است افراد جامعه در زمینه روابط اجتماعی با عملکرد واقعی نقش دین با طمأنینه و مدارا برخورد می‌کنند. هم‌چنین یافته پژوهش صابر (۱۳۸۳)، و یافته پژوهش استیون بروک و همکاران (۲۰۲۲)، ناهمسو با این تحقیق است.

فرضیه چهارم به رابطه هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی می‌پردازد. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و معنادار بین هوش فرهنگی و تحمل اجتماعی وجود دارد. موتز بیان کرده است ارائه بین فرهنگی اندیشه‌های مختلف به تحمل و مدارای بیشتری از افراد در کشور منجر می‌شود، چرا که با افزایش برخوردها ارتباط‌های افراد از فرهنگ‌های مختلف نگاه مثبت آن‌ها به فرهنگ‌های متفاوت کشورهای دیگر افزایش می‌یابد که به گونه‌ای مستلزم هوش فرهنگی است. هابرماس در نظریه کنش ارتباطی، ارتباطی را مطرح می‌کند که افراد با اهداف و افکار متفاوت بدون اجبار و الزام در صدد رسیدن به تفاهم هستند که در نهایت منجر به افزایش تحمل و مدارا در ارتباطات می‌شود. این منظور در بستر هوش فرهنگی مهیا می‌شود چرا که هوش فرهنگی سبب می‌شود پیشداوری‌ها و جهت‌گیری متعصبانه نسبت به موقعیت‌های فرهنگی کمتر شود. به این ترتیب این نظریه‌ها تأیید می‌شود. همان طور که هوش فرهنگی به منزله قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی است. بنابراین نتایج تحقیقات بهشتی و کنعانی (۱۳۹۸)، وراچنکو و همکاران (۲۰۱۵)، هر دو هم جهت با این تحقیق است.

فرضیه پنجم به بررسی رابطه اقتدارطلبی و تحمل اجتماعی می‌پردازد که رابطه منفی و معنادار تأیید شد. آدورنو و هورکهایمر نیز به بررسی شخصیت اقتدارطلب پرداختند ویژگی اصلی آن را شخصیتی

نامتساها که جهان را پر از تهدیدهای خصمانه می‌بیند بیان کرده‌اند که عمیقاً ناامن و مضطرب است. تحمل و مدارای پایینی دارد. به این ترتیب این نظریه تأیید می‌شود. در تحقیق حسین‌زاده (۱۳۸۹)، یافته‌های تحقیق دان (۲۰۱۴)، که نتایج این تحقیق‌ها با تحقیق حاضر همسو است. از این رو بهتر است به زمینه‌های تربیتی در خانواده که یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است بیشتر توجه شود. زیرا افراد بسیاری از ویژگی‌های خود را از خانواده گرفته و در آن فضا تمرین رفتاری می‌کنند. فضای تربیتی خانواده‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود که بر پایه زور و اجبار نباشد، در غیر این صورت فرزندان در پاسخ از روش‌های پرخاشگری استفاده کرده و این در وجود آن‌ها نهادینه شده و به افرادی اقتدارطلب تبدیل می‌شوند. پس سبک‌های تربیتی مداراجویانه ارجحیت قطعی بر سبک تربیتی اقتدارگرایانه دارد و با جامعه-پذیری صحیح می‌توانند یاد بگیرند در راستای مسالمت با اعضای جامعه رفتار کنند.

فرضیه ششم بیان می‌دارد که بین دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج نشان از رابطه مثبت و معنادار این دو متغیر دارند؛ یعنی هر چه دین‌داری بیشتر شود احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد. گیدنز بیان می‌دارد باورداشت‌های مذهبی مهم‌ترین کارشان این است که معمولاً به انسان در مقابل تجربه رویدادها و موقعیت‌ها، احساس آرامش و امنیت تزریق می‌کنند، این نظریه نیز تأیید شد. هم‌چنین با نتایج تحقیق اکبری و ابراهیم‌پور (۱۳۹۶)، همسو می‌باشد.

فرضیه هفتم رابطه احساس نابرابری اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی را بررسی می‌کند. این رابطه به صورت منفی و معنادار تأیید شد؛ یعنی هر چه احساس نابرابری کمتر شود احساس امنیت بیشتر می‌شود. بوزان و ویور بیان می‌دارند وقتی در جامعه نابرابری وجود داشته باشد، این نابرابری باعث به وجود آمدن احساس نابرابری در افراد جامعه می‌شود، احساس نابرابری در مردم نوع خاصی از نگرش و باور را تولید می‌کند که باعث کاهش امنیت می‌شود. به این ترتیب نظریه تأیید شد. گودرزی و اله‌دادی (۱۳۹۶)، در تحقیق‌شان به این نتیجه رسیدند که افزایش احساس نابرابری افراد جامعه باعث کاهش احساس امنیت می‌شود.

فرضیه هشتم بین دین‌داری و اقتدارطلبی رابطه وجود دارد که نتایج نشان داد این رابطه به صورت مثبت و معنادار تأیید شد. یعنی هر چه دین‌داری بیشتر شود اقتدارطلبی نیز بیشتر می‌شود. مطابق با نظر آلتیمر و هانسبرگر اشخاصی که اقتدارگرایی بالایی دارند تمایل زیادی به ارزش امنیت و انطباق دارند. از آن جایی که دین‌داری کارکرد انسجام‌بخشی و نظم‌بخشی در جامعه می‌باشد می‌تواند در خدمت اقتدارگرایی قرار بگیرد و به عنوان یک نظام معنایی در خدمت افراد اقتدارگرا باشد. بنابراین هر چه دین‌داری بیشتر باشد اقتدارگرایی نیز بیشتر است. در تحقیق پاک زمان و نیازی (۱۴۰۰)، که بازبینی رابطه دین‌داری با نامداراگری پرداختند نیز این نتیجه حاصل شد.

با تأمل در یافته‌های بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تحمل اجتماعی، این امکان وجود دارد که در جهت ارتقا تحمل اجتماعی و کیفیت زندگی اقدام‌های سودمندی شود. در این تحقیق با استفاده از

نرم‌افزار ایموس مدل ساختاری بر اساس مدل نظری ارائه شده است و از این طریق تلاش دارد تا میزان برازش مدل نظری نسبت به داده‌های نمونه‌ای سنجیده شود. در واقع محقق از این طریق قصد دارد تا مدل نظری تحقیق را در جامعه مورد مطالعه مورد سنجش قرار دهد. بر اساس اطلاعات به دست آمده هوش فرهنگی (۰/۲۶) بیشترین تأثیر مستقیم را بر تحمل اجتماعی داشته است. تحمل اجتماعی امکان همزیستی مسالمت‌آمیز تنوعات فرهنگی قومی را فراهم می‌کند و چون شهر اصفهان شامل این تنوع‌هاست و از دیرباز مهاجرپذیر بوده است. شهروندان علاقه و انگیزه کافی برای انطباق و تعامل با فرهنگ جدید جهت رفتار متناسب را دارند و به سبب آشنایی با آداب و رسوم و ارزش‌های فرهنگ دیگر در موقعیت‌های فرهنگی موفق عمل می‌کنند. احساس امنیت و احساس نابرابری از دیگر متغیرهای مؤثر بر تحمل اجتماعی بوده است. کشور ایران در تقابل سنت و مدرنیته و در جهت توسعه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد. به عقیده اینکلهارت توسعه اجتماعی-اقتصادی به گونه‌ای با کاهش نابرابری و افزایش امنیت می‌تواند تحمل را بالا ببرد. باید گفت توسعه راه را برای دموکراسی هموار می‌سازد. بر اساس این استدلال رفاه زیاد با ایجاد طبقه متوسط گسترده و از میان برداشتن شکاف‌های اجتماعی نهادهای دموکراتیک را ارتقا بخشیده و تضادهای اجتماعی را تعدیل می‌کند. در نتیجه انگیزه اعتراض به اقتدارطلبی و تحقق دموکراسی فراهم می‌شود. دموکراسی نیازمند تساهل و تحمل، نیازمند درک و فهم تفاوت‌ها، تأیید تکرر افکار، سبک‌های زندگی و سلاقی و ترجیح‌ها است. از دیگر متغیرهای تحقیق دین‌داری بود که اثر مستقیم آن بر تحمل اجتماعی مورد تأیید قرار نگرفت، ولی توانسته است بر متغیر احساس امنیت و اقتدارطلبی مؤثر واقع گردد. این موضوع را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که از پیامدهای مدرنیته اضطراب و نگرانی‌هایی است که افراد جامعه واکنش‌های متفاوتی به آن‌ها انجام می‌دهند که به نظر گیدنز سبب احیا اعتقاد به سرنوشت می‌شود. هم‌چنین گیدنز موافق با نظر دورکیم دین را عاملی همبستگی می‌داند؛ اما معتقد است که دین و باورهای بر خواسته از آن ممکن است عامل ایجاد تنش، ستیزه و جدایی در جامعه هم باشد. با این تفسیر دین از جهتی می‌تواند سبب احساس امنیت شود و از طرفی دیگر سبب کاهش تحمل و مدارا شود. در این خصوص انگیزه مذهبی افراد حائز اهمیت است. افراد با دین‌داری بیرونی رابطه‌شان با دین یک امر ظاهری است. در پی قدرت، حیثیت و منافع هستند و نتیجه آن عدم تحمل، تعصب و اقدامات خسونت‌آمیز می‌شود. در حالی که افراد با دین‌داری درونی به وسیله انگیزه بالغانه و رشد یافته که متضمن تأملات پیچیده انتقادی است انجام می‌شود که قادرند تحمل بیشتری نشان دهند. کشور ما از یک طرف دینی محسوب می‌شود و از طرف دیگر در جهت توسعه اقتصادی-اجتماعی. با فروریختن باورهای سنتی گذشته در این مرحله گذار از سنت به مدرنیته وضعیتی پیش می‌آید که فرد یا گروه باید هویت خود را در موقعیت جدید تعریف و بازتعریف کرده و مورد بازشناسی قرار دهد. در شرایط امروزی عرفی شدن کاهش نفوذ دین در اثر مدرنیته را بیان می‌دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. هر چند در جهان امروز سرچشمه بسیاری از تعارض‌ها و

ستیزه‌ها از اختلاف‌های دینی است اما بیشتر آن‌ها عرفی هستند و به دلایل مسائل سیاسی و منافع مادی می‌باشد. از این رو بازاندیشی دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که دوباره قضایای اخلاقی نمود پیدا کند و دین کارکرد اجتماعی خود را نشان دهد. در نهایت مطابق با نظریه‌ها و نتایج حاصل از تحقیق کاهش احساس نابرابری و افزایش احساس امنیت در سطح کلان و افزایش هوش فرهنگی و کاهش اقتدارطلبی در سطح خرد و بازاندیشی دینی و توجه به کارکرد معنابخشی دین می‌تواند تحمل اجتماعی را تعالی ببخشد و شرایط زندگی مسالمت‌آمیز را فراهم کند. از آن جایی که این پژوهش در بین شهروندان اصفهانی انجام شده است پیشنهاد می‌شود در بین شهروندان سایر شهرها نیز انجام گیرد و نتایج مقایسه گردد تا شناخت دقیق‌تری از وضع موجود در سطح کشور به دست آید. هم‌چنین پژوهش حاضر به صورت کمی و با روش پیمایش صورت گرفته است. پیشنهاد می‌شود با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی نیز به این موضوع پرداخته شود تا در راستای هم به سنجش صحیح‌تر و داده‌های معتبر دست یافت. با توجه به این که در این تحقیق هوش فرهنگی تأثیرگذارترین متغیر بر تحمل اجتماعی بوده است ترویج و گسترش فرهنگ کتابخوانی به ویژه کتاب‌های شاخصی از تجلیات فکری بزرگان فرهنگی مربوط به سایر فرهنگ‌ها و پیشینه اندیشه‌ها، عقاید را می‌توان برای اعتلای هوش فرهنگی به کار برد. برگزاری جشنواره مربوط به آیین‌های خرده فرهنگ‌ها ضمن آشناسازی مردم با فرهنگ دیگران بسیاری از پیشداوری‌های ناآگاهانه را کاهش می‌دهد و اجرای برنامه‌های تفریحی توسط شهرداری‌ها در قسمت‌های مختلف شهر برای هر سنی و هر سطح درآمدی سبب احساس نزدیکی بیشتر و افزایش شادمانی اجتماعی و به تبع آن کاهش پرخاشگری اجتماعی می‌شود. از آن جایی که مناسک جمعی با تقویت تعاملات اجتماعی، احساس امنیت را در فرد تقویت می‌کند با تشویق مردم برای حضور در مراسم‌هایی با مضمون و محتوای معنوی و دینی، می‌توان به تقویت احساس امنیت در افراد کمک کرد. با توجه به نقش احساس نابرابری اجتماعی در سطح تحمل و مدارای اجتماعی مسئولان باید تدابیر لازم برای رفع بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی داشته باشند تا از دغدغه‌های فکری و اضطراب‌های روحی که منجر به کاهش تحمل اجتماعی شهروندان می‌شود بکاهند. امید است با تحمل اجتماعی بیشتر در جهت توسعه کشور پیشرفت صورت گیرد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Akbari Shahabi, Soraya and Ebrahimpour, Daud. (2017). The relationship between religiosity and the feeling of social security among the students of Islamic Azad University, Tabriz branch. *Journal of Sociological Studies*, Year. 10, Number. 39.
2. Altemeyer, B & Hunsberger, B. (1992). Authoritarianism, religious fundamentalism, quest and prejudice. *International Journal for the Psychology of Religion*, 20. P.p: 113-133.
3. Arabi, Ali and Dalvand, Frank. (2021). Fertilizers, social capital and tolerance. *Strategic Quarterly of Sports and Youth*, Volume. 20, Number. 53.
4. Ardakani, Reza. (2004). review. *The culture of wisdom and freedom*. Second edition, Tehran: Saghi publishing house.
5. Aristotle. (2015). *Metaphysics*. Translated by Sharafuddin Sharaf Khorasani. Tehran: Hekmat Publications.
6. Azad Aramaki, Taghi and Bahar, Mehri. (1998). *Survey of social issues*, Tehran: Jihad Publishing.
7. Baker, Terzal. (1998). *How to conduct social research*, translated by Hoshang Naibi. First edition. Tehran: Rosh Publications.
8. Bashiriyeh, Hossein. (1995). *The State of Reason: Ten Discourses in Philosophy and Political Sociology*. Tehran: New Sciences Publishing Institute.
9. Bayati, Parvaneh; Jahanbakhsh, Ismail; Behian, Shapour. (2018). Sociological explanation of challenges and opportunities related to social tolerance of Tehran citizens. *Sociology Quarterly of Social Institutions*, Number. 15, Volume. 7.
10. Brooke, S; Chouhoud, Y & Hoffman, M. (2022). The Friday Effect: How Communal Religious Practice Heightens Exclusionary Attitudes. *British Journal of Political Science*, 53 (1), P.p: 122-139.
11. Chalabi, Massoud. (2002). *An experimental study of the personality system in Iran*, Tehran: Cultural Research Institute of Art and.
12. Chong, Dennis. (1994). Tolerance and social adjustment to new norms and practices. *Political behavior*. 16 (1).
13. Corcoran katie E, Pettinicchio David & Robbins, Blaine. (2012). Religion and the Acceptability of white-collar crime: Across-National Analysis, *Journal for the scientific study of Religion*, Vo1. 51 (3). P.p: 542-567.
14. Dunn, K. (2014). Authoritarianism and Intolerance Under Autocratic and Democratic Regimes. *Journal of Social and Political Psychology*, 2 (1), P.p: 220-241.
15. Duriez, Bart. (2004). A Research Note on the Relation Between Religiosity and Racism: The Importance of The Way in Which Religious Contents Are Being Processed. *The International Journal for the Psychology of Religion*. 14, P.p: 177-191.
16. Durkheim, Emile. (2005). *About the division of social work*. Translated by Baqer Parham, second edition, Tehran: Center.
17. Ebrahimi, Nabi Elah. (2007). A reflection on the foundations and culture of the Copenhagen school. *Foreign Policy Quarterly*, 21st year, Number. 82.
18. Farzam, Nazanin. (2016). *Sociological study of the effect of different types of capital on the social tolerance of Sari youth*. Master's thesis in the field of youth studies, Faculty of Social Humanities. Mazandaran University.
19. Fathali, Mahmoud. (1999). *Tolerance and moral, religious and political tolerance*. Qom: Publication of Taha Cultural Institute.

20. Firouzjaian, Ali Asghar; Sharapour, Mahmoud and Farzam, Nazanin. (2016). Sociological investigation of the effect of cultural capital on interpersonal relations with an emphasis on social tolerance, *Communication Culture Studies*, Volume. 17, Number. 35.
21. Golabi, Fatemeh; Alizadeh Kakah, Mohammad Baqer; Aghayari Heer, Tawakkal and Zardmoi Ardeklou, Shapour. (2019). Investigating the relationship between cultural and social capital and tolerance among citizens. *Social Sciences*, Ferdowsi University of Mashhad, Number. 16, Period. 2.
22. Golabi, Fatemeh; Alizadeh Kaveh Mohammad Baqer; Agha Yari Heer, Tawakal and Zardmoi Ardeklou, Shapour. (2021). Examining the relationship between economic capital and the structure of tolerance among the citizens of Mashhad, *Development Sociology Journal*, 10th year, Number. 2, autumn and winter 2021, pages 27-64.
23. Ghazinejad, Maryam and Akbarnia, Elaha. (2017). Monitoring: social tolerance or social distance (a survey among Muslims and Christians in Tehran), *social studies and research in Iran*, Period. 6, Number. 1.
24. Giddens, Anthony. (1998). *Consequences of modernity*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Center Publishing.
25. Gudarzi, Saeed and Elah Dadi, Nooruddin. (2020). Factors related to the feeling of security with an emphasis on the feeling of inequality. *Law and order and security research paper*, 13th year, 2nd consecutive Number. 50, P.p: 1-24
26. Habermas, Jürgen. (2005). *Theory of communicative action*. Translated by Kamal Poladi and Thomas McCarthy. First edition, volume 1, Tehran: Iran newspaper.
27. Hosseini Nesar, Majid. (2004). Investigating the factors affecting juvenile delinquency in Rasht city, Master's thesis, Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
28. Hosseinzadeh Khanagahi, Masoumeh. (2010). Examining tolerance among students of Gilan University. Master's thesis of Faculty of Literature and Humanities, Department of Social Sciences, Gilan University.
29. Meskell. I. (2013). UNESCO s World Heritage Convention at 40: Challenging the economic and political order of international heritage conservation. *Current Anthropology*, 54 (4), P.p: 483-494.
30. Mutz, D. (2002). Cross-cutting social networks: testing democratic theory in practice. *American political science review*, 96 (1), P.p: 26-111.
31. Nasr Esfahani, Ali; Hajian, Taleb; Karimi, Mehdi and Rizvani, Seyed Morteza. (2012). Examining tolerance and tolerance in organizational leadership based on Nahj al-Balaghah's point of view, *Islamic Management Scientific Research Quarterly*, No. 2, P.p: 113-130.
32. Pak Zaman Qomi, Mohammad Amin; Niazi, Mohsen. (2021). Reviewing the relationship between religiosity and symbolism. Case study: Kashan city, *Scientific Research Quarterly of Islam and Social Studies*, Year. 9, Number. 2, Fall 2021, P: 34.
33. Phelps, E. (2004). *White Students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: a Study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, New York University.
34. Rafipour, Farmarz. (1999). *Anatomy of society, an introduction to applied sociology*, Tehran: Publishing Company.
35. Rahnamai, Mohammad Taghi and Pour Mousavi, Seyed Moussa. (2006). Investigating the security instability of the metropolis of Tehran based on sustainable urban development indicators. *Geographical Research*, Volume. 38, Number. 57.

36. Rezart, Hoxhaj & Carolina V. Zuccotti. (2021). The complex relationship between immigrants' concentration, socioeconomic environment and attitudes towards immigrants in Europe, *Ethnic and Racial Studies*, 44: 2, P.p: 272-292.
37. Rouzbeh, Mohammad Hassan. (2007). *Tolerance*. The fourth edition of Tehran: Imam Khomeini's (RA) editing and publishing institute and Arouj publishing institute.
38. Saber, Cyrus. (2005). Examining the relationship between the amount and types of religiosity and social tolerance. Master's thesis of the Faculty of Social Sciences, Tarbiat Moalem University.
39. Saroglou, V; V. Delpierre and R. Dernelle. (2004). Values and religiosity: a meta-analysis of studies using Schwartz s model. *Personahity and Individual Difference*. 37, P.p: 721-734.
40. Schatz. S; Mona, C. (2004). Social Tolerance and Social Civility: Key Elements for Transitioning Democratic Countries. *Journal of Comparative Social Welfare*, P.p: 23-31.
41. Seyyed Samad Beheshti, Arend Fatemeh Alizadeh, Zahra Kanani. (2019). Sociological explanation of the relationship between cultural intelligence and social tolerance among the citizens of Yasouj city, *Iranian Journal of Strategic Research on Social Issues*, 7th year, Serial Number. 25, Number. 2.
42. Sharapour, Mahmoud; Asgari, Ali. (2009). Typology of tolerance and its measurement among students of social sciences faculties of Tehran University and Allameh Tabatabai. *Cultural Research Quarterly*. Volume. 2, Number. 8.
43. Tatiana, Voronchenkoa; Tatiana, klimenkob; Irina, kostinab. (2015). Learning to Live in A Global world: project- Based Learning in Multicultural Student Groups as A Pedagogy of Tolerance strategy, *Procedia- Social and Behavioral Sciences*. 191, page 1489-1495.
44. Thompson, Denise. (2002). Power and distate: Tolerance and its limitations. Retrieved, from www.s~rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.
45. Tavalai, Novin; Falah Pisheh, Akram. (2011). Studying the effect of feeling inequality on cooperation. *Iranian Social Issues Quarterly*, second year.
46. Vice President of Planning and Human Development. (2016). *Statistics of Isfahan City*. Isfahan: Cultural and Entertainment Organization of Isfahan Municipality.
47. Voget, W. P. (1997). *Tolerance and education: Learning to live with diversity and difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.
48. Von Bergen, Clarence; Bergen, beth; Stubblefield, Clahre; Bandow, Diane. (2012). Authentic tolerance: between forbearance and acceptance. *Journal of cultural diversity*. 19, P.p: 111-117.
49. Wei, Q. (2022). Income disparity, perceptions of inequality, and public tolerance. *Chinese Journal of Sociology*, 8 (4), P.p: 596–635.